



گفت و گو با شبنم قلی‌خانی

جشنواره، فیلم کوتاه و نخل‌های خرمشهر

در دومین جشنواره‌ی ملی ستایش خوزستان که از عید قربان تا عید غدیر در خرمشهر، آبادان و جزیره‌ی مینو برگزار شد، غیر از فیلمسازی که به خاطر داشتن فیلم در جشنواره حضور داشتند عده‌یی از اهالی سینما هم دعوت شده بودند. شبنم قلی‌خانی یکی از دعوت‌شدگان بود.

چه احساسی دارید که در خوزستان هستید؟
از دست‌اندرکاران جشنواره ممنونم که چند روزی دور از تهران، در خوزستان و در این هوای خوب و فضای جدید از یک جشنواره‌ی شهرستانی حضور دارم.

از آخر شروع کنیم؛ آخرین فعالیت شما چیست؟
بازی در مجموعه‌یی از محمدحسین لطیفی که چهارمین تجربه‌ی تلویزیونی اوست. او در این مجموعه به سراغ زندگی غیاث‌الدین جمشید کاشانی، منجم و ریاضیدان برجسته‌ی ایرانی رفته است.
شما در این مجموعه‌ی تلویزیونی چه نقشی دارید؟
این مجموعه نامش «تردبام آسمان» است و در آن نقش ویس را دارم.
پس رامین کجاست؟

[می‌خندد] آن داستانی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی است که ویس در آن، دختر قارون است.

چند درصد کار تمام شده است؟
بیش از ۷۰ درصد آن تهیه شده است.
برای دیدن مسجد جامع خرمشهر که رفته بودیم، عده‌یی هنوز شما را با نام مریم مقدس صدا می‌زدند! شما را اغلب با مریم مقدس می‌شناسند؟

خب اولین کارم بود و هر جا باشم مردم من را با آن نقش می‌شناسند. انتخاب شدم، تست گرفتم دادم و نقش را بازی کردم. این نقش را دوست دارم و با اینکه اولین کارم بود، راضی هم بودم.
مریم مقدس که اولین کار هنری شما نبود؟!
من برای اولین بار در صحنه‌ی تئاتر، در آنتیگونه، در نقش همسر پادشاه ظاهر شدم.
کار چه‌طور بود؟ فضای نمایشی انگار متفاوت بود.

درست است؛ آنتیگونه را که اجرا کردیم، کاری تجربی، مدرن و با فضای جدیدی بود.

«شبنم قلی‌خانی» بازیگر ۳۰ ساله‌ی سینما و تلویزیون، با فیلم «مریم مقدس» (۱۳۷۹) به شهرت رسید. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی تئاتر با گرایش طراحی صحنه و فوق‌لیسانس کارگردانی تئاتر از دانشگاه آزاد است و فعالیت هنری خود را با بازی در نمایش «آنتیگونه» (۱۳۷۵) آغاز کرد. به‌رغم این که مدت زمانی از اکران فیلم مریم مقدس گذشته، با ورود به هتل و حضور در سینما نخل خرمشهر عده‌یی گرد او جمع شده و او را در کالبد مریم مقدس تجسم می‌کردند. در طول چند روز گفت‌وگوی مردم و عکس و تصویربرداری از او، چون طی مصاحبه و حرف‌های او دریافتیم که علاوه بر بازی، علاقه‌مند به ادبیات است و دستی هم در فیلمسازی کوتاه دارد. این آگاهی باعث شد که به گفت‌وگو با او بنشینیم. در هتل محل اسکان که در حاشیه‌ی اتوبان خرمشهر - آبادان قرار داشت و پس از جنگ بازسازی شده است، در نیمه‌ی دوم آذرماه ۸۷ در شرایطی که در برخی از نقاط کشور برف و باران می‌بارید و هوا در خوزستان بهاری بود و تکه‌های ابر در آسمان آبی شکل‌هایی می‌ساختند که یادمان می‌رفت زمستان است، در صندلی‌های سرگردانی که در محوطه‌ی باز بیرون هتل در میان تعدادی نخل سامان یافته بودند نشستیم و به گفت‌وگو پرداختیم.

حسین گیتی



شرایط تئاتر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تئاتر دارای محدودیت‌هایی است و با جلوی دوربین تفاوت دارد. در تئاتر روبه‌روی مخاطبان هستی و خودسانسوری بیش‌تر است. در سینما و جلوی دوربین، بازی فرق دارد؛ بسیار تصحیح‌شده نمایش داده می‌شود. در تئاتر باید خیلی مواظب باشی چون چشم در چشم، ملموس و نفس به نفس است. در تئاتر به راحتی نمی‌توانی بازی کنی؛ باید ملاحظات را رعایت کنی.

سختی‌های بازیگری در سینما را چگونه دیده‌اید؟

سینمای کشور ما سختی‌های ویژه‌ی خود را دارد. البته در همه جای دنیا همین‌طور است و فقط تفاوت‌های مختصری وجود دارد. زنان در سینمای ما دستمزدشان کم‌تر از دستمزد مردان است. در هالیوود هم همین‌گونه است. به این‌جا که می‌رسیم، باد ملایم نجواگر شاخه‌های سنگین و بزرگ نخل‌های کنار ما را به بازی می‌گیرد و بلبل‌ها آوازخوانی خود را آغاز می‌کنند؛ در شرایطی که به صدای موتور اتومبیل‌های اتوبان خرمشهر - آبادان عادت کرده‌ایم. صدای بلبلان افزایش می‌یابد. حالا دیگر قلی‌خانی از من می‌پرسد.

این‌جا گل و سبزه نیست که بلبل باشد، این بلبل‌ها روی نخل چه می‌خواهند؟!

آن چه که می‌دانم این است که بلبل نخل با بلبل‌های گل و سبزه فرق دارد. این بلبلان ویژه‌ی نخل هستند.

داشتید می‌گفتید که زنان در سینمای ما ...

ضمناً سن بازیگران زن هم در سینمای ما مشکل‌ساز است. زنان در سینمای ما وقتی از ۳۵ سالگی می‌گذرند فیلمنامه فوری برایشان نقش مادر می‌نویسد و نقش مادران را بازی می‌کنند، در حالی که در سینمای جهان این‌گونه نیست؛ مثلاً مریل استریپ در ۶۲ سالگی هنوز بازی درخشان خود را دارد. اصلاً برخی اوقات فیلمنامه برای سن آن‌ها نگاشته می‌شود.

استار و سوپرستار چه معنایی در سینمای ما دارد؟

مفهومی ندارد؛ بازیگران پول‌ساز داریم، اما استار و سوپرستار در سینمای آمریکا و اروپا مناسبات پیچیده‌ی دارد. ممکن است فیلمسازی به بازیگر معروفی در فیلم خود نقش دهد ولی فیلم در گیشه فروش نرود و عکس آن سوپرستار در سینمای ما تعریف ویژه‌ی ندارد.

درباره‌ی شما می‌دانم که فیلم کوتاه هم می‌سازید.

بله، فیلمسازی را دوست دارم و تا کنون ۴ فیلم کوتاه ساخته‌ام. حقیقت یک دستفروش، فارسی ناآشنا، من شما و خونه، تجربه‌های فیلمسازی کوتاه من هستند.

این فیلم‌ها را برای جشنواره‌ی فرستاده‌اید؟

قصد دارم، چون جشنواره‌های سینمایی، محل نمایش فیلم‌های کوتاه است. فیلم کوتاه امکان اکران عمومی ندارد.

از داستان کوتاه چه می‌دانید؟

چه سؤالی؟! ادبیات داستانی را دوست دارم اما داستان کوتاه را بیش‌تر از رمان می‌پسندم.

داستان‌های کوتاه چه نویسندگانی را دوست دارید و احياناً خوانده‌اید؟

ادگار آلن پو که پایه‌گذار داستان کوتاه است، اما داستان‌های کوتاه آنتوان چخوف را خیلی دوست دارم.

از داستان‌های کوتاه ایرانی چه‌طور؟

داستان کوتاهی از امیرحسین چهل‌تن خواندم که خیلی خوشم آمد. داستان درباره‌ی مردی است که بازنشسته شده و روز به روز این بازنشستگی او را از پا درمی‌آورد.

شیوه‌ی روایت چگونه بود؟

اول شخص مفرد.

چون امکان ادامه‌ی گفت‌وگو به دلیل وقت کم و برنامه‌های جشنواره نیست، وارد لابی هتل می‌شویم؛ مخاطبان گرداگرد شبنم قلی‌خانی را می‌گیرند و من در گوشه‌ی نشریه‌ی روزانه‌ی شماره‌ی ۲ را که تازه منتشر شده ورق می‌زنم و در انتظاریم که مدیر اجرایی ما را به سینما نخل هدایت کند. ■